

رہبران مشروطہ

جزوہ چہارم

میرزا نصر اللہ خان

مشیر الدولہ

از :

ابراہیم صفائی

این جزوه که حاوی

تاریخچه مختصر استخراج

نفت ایران میباشد به :

جناب دکتر منوچهر اقبال

مدیر عامل شرکت ملی

نفت ایران اهدا میشود .

جزوه پنجم بیوگرافی
ظہیر الدولہ خواہد بود

۲۰ ریال

رہبران مشروطہ

جزوہ چہارم

میرزا نصر اللہ خان

مشیر الدولہ

از :

ابراہیم صفائی

چاپ شرق

مجموع جزوه های « رهبران
مشروطه » بیست و پنج جزوه است ،
هر ماه يك جزوه با ذكر بيوگرافی
مستند یکی از رهبران منتشر
خواهد شد و سعی میشود چهره
سیاسی و واقعی هر يك از رهبران
را با مدارك معتبر بخوانندگان
این جزوه ها نشان دهیم و خدمت
و خیانت را بیغرضانه بازگو کنیم ،
امید است اگر لغزشی پیش آید
ارباب تحقیق باصلاح آن بکوشند .

کتابهای مستند این جزوه

کتاب	مؤلف
۱ - تاریخ بیداری ایرانیان	ناظم الاسلام کرمانی
۲ - زندگانی من	عبدالله مستوفی
۳ - تاریخ مشروطه	کسروی
۴ - تاریخ ایران	سرپرستی سایکس - ترجمه فخرداعی
۵ - کتاب آبی	گزارشهای سفارت انگلیس
۶ - خاطرات و خطرات	مخبرالدوله
۷ - حیات یحیی	یحیی دولت آبادی
۸ - روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹	محمود محمود
۹ - تاریخ بیداری ایران	حبیب الله مختاری
۱۰ - طرائق الحقایق	نایب الصدر
۱۱ - عصر بی خبری	ابراهیم تیموری
۱۲ - خاطرات سیاسی	امین الدوله
۱۳ - سفرنامه اول	مظفرالدینشاه
۱۴ - اسناد نفت	اداره انتشارات
۱۵ - پنجاه سال نفت ایران	مصطفی فاتح
۱۶ - کتاب نفت	هما یونفر
۱۷ - طلای سیاه یا بلای ایران	ابوالفضل لسانی
۱۸ - کتاب سیاه	حسین مکی
۱۹ - انقلاب نفت	دکتر قدیمی

کتاب	مؤلف
۲۰ - غوغای نفت	زهتاب فرد
۲۱ - انقلاب ایران	ادوارد برون
۲۲ - مقدمه انقلاب مشروطه	تقی‌زاده
۲۳ - روزنامه جبل‌المتین	مؤیدالاسلام
۲۴ - عین‌الدوله و رژیم مشروطه	مهدی داودی
۲۵ - روزنامه شرف	
۲۶ - مقدمه جلد اول ایران باستان	باستانی پاریزی
۲۷ - مشیرالدوله	« »
۲۸ - تاریخ انقلاب مشروطیت	مهدی ملک‌زاده
۲۹ - تاریخ پرنس دانش	ارفع‌الدوله
۳۰ - سفرنامه دوم	مظفرالدین‌شاه

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، جوان خود ساخته نائینی، وقتی بطهران آمد نام او میرزا نصرالله بود، او فرزند آقامحمد از متوسطان نائین است، آقا محمد فرزند میرزا ابوطالب و ابوطالب پسر حاجی عبدالوهاب میباشد که اهل یزد بود و در سلك درویشان و مرتاضان درآمده در نائین مسکن گزید و پس از مرگش بامر محمد شاه قاجار در مصالای نائین برای او آرامگاهی ساخته اند و به پیر نائین شهرت یافته و بواسطه همین انتساب، خاندان مشیرالدوله بنام خانوادگی «پیرنیا» نامبردار شدند.

میرزا نصرالله که خط و ربط متوسطی آموخته و گمان استعدادی در خود میبرد، در آغاز جوانی جلای وطن کرده برای تهیه لقمه نانی راه طهران را درپیش گرفت، در این هنگام که سن او به بیست سال نرسیده بود، تهیدستی وی چندان بود که پیاده قسمتی از راه نائین به طهران را پیمود و در بین راه اصفهان بقم با کاروانی همراه شد و کاروانیان باو محبت کرده وی را باخود بطهران آوردند، (در حدود ۱۲۸۲ ق).

میرزا نصرالله با دست خالی و بی پشت و پناه چند روزی طهران را گردش کرد و برای بدست آوردن لقمه نانی نقشه ها چید، عاقبت

بر آن شد که بشغل کاغذ نویسی مشغول شود^(۱) و گذران یومیه را تأمین کند و منتظر سرنوشت و حوادث باشد ، حاجی پیرزاده درویش قلندر که منسوب با او بود در این هنگام در صفائیه طهران منزل داشت. روزی گذارش بمسجد شاه افتاد میرزا نصرالله کاغذ نویس را دیده او را بسیار سرزنش کرد و بوی دستور داد که فوری بنائین مراجعت کند و بیست و پنج ریال باو خرج سفر داد .

میرزا نصرالله تردید داشت چکنند؟ بنائین بر گردد؟ یا در طهران بماند؟ روزها که بمسجد شاه میرفت پس از نماز استغاثه میکرد و از خداوند گشایشی میخواست، بالاخره استخاره کرد ، استخاره رفتن نائین را مصلحت ندانست ، در همین اوقات شبی حاج محمد حسن جد مادریش را (که او نیز از درویشان وارستهٔ مقیم نائین بود) بخواب دید که کیسه کوچکی بدست وی داد ، کیسه را گشود ، محتوی سه مهر بود ، مهر وزارت لشکر ، مهر وزارت خارجه ، مهر صدارت ایران ، میرزا نصرالله صبح که از خواب برخاست از شدت خوشحالی در پوست نمیگنجید و این خواب را با استخارهٔ که شده بود کاملاً مناسب یافته و بآینده خود امیدوار شده بکار کاغذ نویسی ادامه داد ، در آن زمان که بیسوادی تقریباً عمومی بود همان خط و سواد متوسط که میرزا نصرالله داشت میتوانست مرکب ترقی او باشد ، همینطور هم شد و پس از یکسال با ماهی پانزده ریال حقوق در سلك نوکران آصف الدوله درآمد^(۲) . سه سال در دستگاه آصف الدوله خدمت کرد ، چون آصف الدوله ویرا

۱- ص ۵ کتاب مشیرالدوله .

۲- ص ۵۵۰ تاریخ بیداری .

دارای خط و سواد و استعداد متوسطی دید و از صداقت و پشتکاروی راضی بود ، او را بمیرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه معرفی کرد و در سال ۱۲۸۵ به عضویت وزارت امور خارجه درآمد و با شغل ثباتی در حدود ماهی شش تومان حقوق داشت .

پس از سه سال خدمت در وزارت خارجه بسمت منشی میرزا ابراهیم خان نائب الوزاره معاون کارگزاری آذربایجان عازم تبریز شد ، چند سال در تبریز بسربرد ، در این مأموریت زندگی او سر و سامانی یافته و در سال ۱۲۹۰ ق با دختر حاج میرزا تقی آجودان کارگزاری آذربایجان عروسی کرد .

در سال ۱۲۹۷ پس از فوت میرزا ابراهیم خان نائب الوزاره ، میرزا نصرالله بطهران احضار شد و با زن و دو فرزند خود « حسن و حسین پیرنیا » بطهران آمد و پس از چندماه بسمت نیابت سوم دروزارت خارجه منصوب و کلمه «خان» هم بدنبال اسم او افزوده گردید و میرزا نصرالله خان شد .

اطاعت و ادب و صداقت و فرمانبرداری محض و محرم راز بودن ، صفاتی بود که در این جوان نائینی بروز کرد و او را مورد توجه رؤساء مافوقش قرار داد و راه پیشرفت را برای وی هموار نمود و الحق رموز موفقیت در نوکری دولت را خوب آموخته بود .

در ۱۲۹۹ بمقام نیابت دوم وزارت امور خارجه نائل شده سپس مدیر اداره روس شد و از همینجا شناسائی او با مأموران سیاسی آغاز گردید .

در ۱۳۰۳ بمقتضای میرزا یحیی خان مشیرالدوله (وزیر خارجه

وقت) از طرف ناصرالدین شاه، لقب مصباح‌الملک باو داده شد و بنیابت اول وزارت خارجه ارتقا یافت، در این سال پسران خود حسن و حسین و علی را برای تحصیل باروپا اعزام داشت، علی جوانمرگ شد ولی حسن در روسیه و حسین در پاریس تحصیلات عالی کردند و بعدها در ایران بمقامات بزرگ رسیدند.

در سال ۱۳۰۸ باستدعای میرزا عباسخان قوام الدوله لقب مشیرالملک بوی داده شد و کم‌کم مورد توجه و شناسائی شاه و رجال واقع گردید و با اتابک صدراعظم وقت ارتباطی بهم رسانید.

اتابک مرد قدرت طلب که میخواست همه کارهای کشور در دست اقتدار او باشد، در همه وزارتخانه‌ها با افراد مطیع و فرمانبردار احتیاج داشت، مشیرالملک هم از زمره همان فرمانبردارانی بود که اتابک میخواست.

قوام‌الدوله وزیر خارجه هم زیر بار قدرت اتابک نمی‌رفت، بهمین دلیل اتابک برای آنکه کارهای وزارت خارجه را در دست خود داشته باشد مشیرالملک را حمایت و تقویت کرد، و در حقیقت او در وزارت خارجه مأمور اتابک بود یا بقول ناظم‌الاسلام کرمانی در این مقام سمت نوکری اتابک را داشت (۱)، عنایت اتابک راه ترقی مشیرالملک را باز کرد، او باهمان خصوصیات اخلاقی و اطاعت محض هر روز بیشتر در خاطر اتابک راه جست و گذشته از کارهای وزارت خارجه واسطه انجام کارهای دیگر از امور کشور گردید و راه مداخله برویش باز شد. (۲)

در ۱۳۱۰ ق به پیشهاد اتابک به لقب امیرتومانی و نشان تمثال

همایون و يك جبه ترمه و حمایل سرافراز گردید و مدیر کل وزارت خارجه شد رفته رفته زندگی مشیرالملک رنگ اشرافی گرفت ولی او صرفه جو و ممسک بود ، تظاهر بثروت نمیکرد، دراستفاده و مداخل هم محتاط بود، کوشش داشت که بچهره حق بجانب او غبار تهمت و افترائی ننشیند ، اما همینقدر که از تظاهر بثروت خودداری داشت ، بزهد و عبادت خود نمائی میکرد و نماز را در دفتر کار خود میخواند، عده‌ئی از مراجعان ساعتها منتظر میشدند تا نماز مشیرالملک تمام شود و سپس با او وارد صحبت شوند .

مشیرالملک مراتب ترقی را پشت هم پیمود تا در ۱۳۱۳ ق . رسماً معاون وزارت امور خارجه شد . در جمادی الثانی ۱۳۱۴ که اتابك از صدارت بر کنارشد و بقم رفت و کابینه بدون صدراعظم باریاست سنی مخبرالدوله و تحت نفوذ فرمانفرما تشکیل گردید ، فرمانفرما مشیرالملک را بسمت « وزارت لشکر » از وزارت خارجه بوزارت جنگ منتقل نمود ، باتوجه باستفاده جوئیهای فرمانفرما و باتوجه باطاعت و فرمانبرداری و رازداری مشیرالملک میتوان دلیل این انتصاب را دریافت ، وزارت لشکر بمنزله اداره کل دارائی ارتش بود و تمام هزینه و بودجه ارتش در آن اداره متمرکز و زیر نظر وزیر لشکر خرج میشد ، وزیر لشکر عده‌ئی لشکر نویس داشت که هر کدام ناظر بر مخارج یکی از واحدهای نظامی بودند ، این مقام نیز برای مشیرالملک خیلی سودمند واقع شد، او هم از فرمانفرما هم از وجیه الله میرزا که پس از وی وزیر جنگ شد اطاعت میکرد و هم با معیرالممالک وزیر مخازن عسکری که خرج مهم نظامی بدست او بود مسالمت داشت و بودجه مخازن

عسکری را آنطور که معیر الممالک تنظیم مینمود امضا میکرد .

امین الدوله که در ۱۳۱۵ بصدارت رسید بواسطه اصرار فرمانرها و هم بمناسبت مسالمت مشیر الملک او را در وزارت لشکر ابقا نمود ، پس از آنکه امین الدوله بعلت کارشکنی های اطرافیان طماع و مغرض مظفرالدین شاه مجبور باستعفا شد و نقشه های مترقی و اصلاحی حکم آرزوهای برباد رفته پیدا کرد (۱۵ محرم ۱۳۱۶ قمری) میرزا محسن خان مشیر الدوله ، وزیر خارجه و سرپرست دولت شد ولی عمر زمامداری او دیری نپایید . شاه بسفارش روسها اتابک را از قم احضار و صدارت ایران را باو تفویض نمود ، میرزا محسن خان مشیر الدوله کما فی السابق وزارت خارجه را بعهدہ داشت ، ولی اتابک در اندیشه بود که وزارت خارجه را بدست مرد مطیع بسپارد بخصوص که طرح قرضه ها و قراردادها در پیش بود ، تهیه قرض ظاهراً برای بهبود وضع اقتصادی کشور و معناً برای مسافرت شاه بفرنگستان و پر کردن جیب و تفریح اطرافیان او بود ، اتابک به پرنس ارفع الدوله دانش که سفیر ایران در روسیه و از بندگان اتابک بود دستور داد برای استقرار بادولت روسیه وارد مذاکره شود ، مذاکرات موفقیت آمیز بود و با سرعت انجام شد .

قرضه اول بمبلغ بیست و دو میلیون و نیم منات طلا (در حدود پنجاه میلیون تومان) با سود صدی پنج بمدت هفتاد و پنج سال با گرو رفتن تمام گمرک ایران ، باستثنای گمرک جنوب مورد موافقت دولت روس واقع شد ، در همین احوال میرزا محسن خان مشیر الدوله وزیر خارجه مریض شد و برای معالجه باروپا رفته در پاریس در گذشت و اتابک مشیر الملک را برای وزارت امور خارجه که در آن موقع حساس

ترین کار کشور بود در نظر گرفت و لقب مشیرالدوله را هم از شاه برای او درخواست کرد، (۱۳۱۷ ق).

مستوفی در جلد دوم کتاب زندگانی من درباره این انتصاب گفته است :

امین السلطان در دوره ریاست مشیرالملک در اداره روس و دوره معاونت او، وی را امتحان کرده و خوب میدانست که سینه این مرد مدفن اسرار است و کارهایی که توسط او سر و صورت میگیرد مکتوم خواهد ماند، لذا او را که مطیع و محرم بود بوزارت خارجه برگزید و او بدون اجازه اتابک قلم روی کاغذ نمیگذاشت (۱).

با انتصاب مشیرالملک بوزارت خارجه کار قرضه بدست او افتاد، گرچه آمر اتابک و عامل اصلی پرنس ارفع الدوله بود که کار را با « کنت مورادیف » وزیر خارجه روسیه تمام کرد ولی بهر حال وزارت خارجه هم در انعقاد و اعضاء قرارداد و مذاکرات با سفارت روس نقش عمده و اساسی بعهده داشت و این نقش را مشیرالدوله ایفا میکرد، گرچه او در این مقام اختیار و اراده اش بدست اتابک بود ولی بهر حال مجری عمل، یا بقول تقی زاده « آلت فعل » بود و از ثمره آن فعل ملت متضرر و دولتیان و درباریان مظفرالدین شاه علی قدر مراتب بهم بهره مند شدند.

مشیرالدوله وقتی وزیر خارجه شد، فرزند ارشدش میرزا حسن خان را، که مدرسه سیاسی و نظامی مسکو را طی کرده و قرار بود در سفارت ایران در روسیه مشغول شود، بطهران خواست و او را بعنوان

(۱) ص ۹۷ جلد دوم زندگانی من. ص ۱۵۰ خاطرات سیاسی امین الدوله

ریاست دفتر وزارت خارجه برای كمك خود مشغول بكار كرد ، ضمناً میرزا حسن خان بسمت منشی مخصوص اتابك نیز برگزیده شد ولقب مشیرالملك گرفت و در سفر اول مظفرالدینشاه بفرنگ جزو همراهان شاه بود .

از کارهای خوب و قابل ذکر مشیرالدوله تأسیس مدرسه علوم سیاسی بود که در اواخر شعبان ۱۳۱۷ قمری برای تقویت کادر وزارت خارجه تأسیس نمود، برای ایجاد این مدرسه او پیشنهادی باتابك داد، پس از تصویب شاه و اتابك مدرسه علوم سیاسی در محل دارالفنون افتتاح گردید و سالی چهار هزار تومان از درآمد معادن فیروزه خراسان برای بودجه آن منظور شد ، گرچه ابتکار این فکر از میرزا حسن خان پسر مشیرالدوله بود ولی کوشش او این فکر را جامه عمل پوشانید وعده‌ئی از جوانان با استعداد و لایق در این مدرسه وارد شدند و بعدها کادر سیاسی وزارت خارجه بوسیله آنان تقویت شد و بعضی از آنها بمقامات عالی رسیدند و منشأ خدماتی شدند .

باری باقرضه اول از روسها سیاست خارجی ایران طور دیگر شد یعنی توازن سیاسی بکلی از دست رفت و ایران يك دولت متمایل به روس، یا در دست روس، معرفی شد و روس‌ها عملاً بر قسمتی از خاک ایران یکنوع حق حاکمیت بدست آوردند .

این قرارداد لطمه بزرگی بنفوذ سیاسی دولت انگلستان نیز تملقی میشد ولی وزارت خارجه ایران از این مسائل فارغ البال بود و اوامر شاه و صدراعظم را اجرا میکرد .

در سال ۱۳۱۹ قمری قرضه دوم که قریب دوازده میلیون تومان میشد از روس‌ها گرفته شد، میرزا حسن خان مشیرالدوله در این وقت وزیر مختار ایران در روسیه بود و در انجام کار قرضه دوم پدر و پسر هر دو شرکت داشتند. ظاهراً این مبلغ هم برای بهبود وضع اقتصادی کشور بود ولی عملاً قسمتی از این پول را بزرگان دولت و دربار بعنوانین مختلف خوردند و قسمتی هم بمصرف بعضی از کارهای اداری و دولتی رسید و يك سوم آن برای مسافرت اروپا تخصیص داده شد تا رجال دلسوز! با این پول که با گرو گذاشتن مملکت بدست آمده بود تفریحی هم بکنند.

برای این تفریح اطرافیان شاه دست بدامن حکیم‌الملک شدند، میرزا محمود خان حکیم‌الملک که وزیر دربار و طبیب شاه بود در مظفرالدین‌شاه خیلی تأثیر داشت و یکی از اسنفاده چیه‌ای بزرگ دربار مظفرالدین‌شاه بود، او این سفر را برای خودش هم مفید دیده تصدیقی از «دکتر ادکاک» طبیب فرنگی شاه گرفت و شخصاً هم مسافرت شاه را برای نوشیدن آب‌های معدنی اروپا تجویز کرد و بار دیگر موکب مظفرالدین‌شاه با قرضی که بردوش ملت سنگینی میکرد عازم اروپا گردید.

قرضه دوم دو شرط دشوار دیگر همراه داشت، یکی واگذاری امتیاز راه آهن جلفا بقزوین (که خط سوق الجیشی بود) ببانک استقراضی روس، دیگر تغییر تعرفه گمرکی، تغییر تعرفه گمرکی بضرر کامل ایران بود زیرا حقوق گمرکی واردات روسیه بایران بمیزان قابل ملاحظه‌ئی تنزل کرد، مثلاً صدی پنج عوارض گمرکی نفت شوروی

به صدی يك و نیم و صدی پنج عوارض گمرکی شکر به صدی دو و نیم
تقلیل یافت (۱) .

این قرار داد که «مسیو نوز» وزیر گمرک عامل انعقاد آن بود
بطور محرمانه در نوامبر ۱۹۰۱ م (۱۳۱۹ ق) بسته شد ولی در فوریه
۱۹۰۳ م (۱۳۲۰ ق) بمرحله اجرا در آمد و شرائط و متن آن در
روزنامه های روسیه منتشر شده باعث خشنودی روسها و عدم رضایت و
اعتراض انگلیسها گردید ؛ در نتیجه در ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۰ قراردادی
هم برای تغییر تعرفه گمرکی به نفع انگلیسها بسته شد که آنها هم
ناراضی نباشند ! (۲)

قرارداد داری :

مهمترین قرار دادی که مشیرالدوله عاقد آن بود ، قرار داد
داری است در این قرار داد هم چنانکه عموم مورخان و سیاستمداران
ایرانی گفته اند منافع ایران رعایت نشد ، این قرار داد بعد ها پایه
تحولات سیاسی و مبنای تمدید و تجدید قرار دادهای بعدی گردید که
در تاریخ اقتصاد و سیاست ایران و آبادی خوزستان حائز کمال اهمیت
است و بهمین مناسبت اقتضا دارد شرح کوتاهی از تاریخ این قرار داد
و تاریخ استخراج نفت در ایران در ضمن بیوگرافی عاقد قرار داد
داری بنویسم .

نفت از هزاران سال پیش در ایران معروف بوده ولی تا زمانی
که داری امتیاز آنرا گرفت استخراج نفت صورت فنی و عملی نداشت

(۱) ص ۵۴۲ ج ۲ تاریخ ایران

(۲) ص ۳۹۱ عصر بی خبری و ص ۵۴۲ تاریخ ایران

و فقط در بعضی نقاط از چشمه های كوچك نفت كه در سطح خاك می جوشید مردم بطریق بسیار ابتدائی استفاده می کردند تا اواخر زمان قاجاریه بیشتر نفت مورد نیاز ایران از روسیه وارد میشد .

چندین سال قبل از تنظیم قرارداد داری «مرگان» باستان شناس فرانسوی كه مسئول حفاریهای شوش بود شرحی در «مجله معادن پاریس» راجع بوجود نفت در جنوب و غرب ایران نوشت و مخصوصاً از نقطه نفت خیز «نفتون» در مسجد سلیمان نام برد (۱) .

اتفاقاً يك نفر ارمنی ایرانی معروف به «کتا بچی خان» كه مأمور گمرك جنوب بود ، آن مقاله را خواند و برای تحقیقات بیشتری بغرب و جنوب ایران مسافرت نمود تا آنكه در مسجد سلیمان در نزد يك معبد ویرانه عیلامیان در محل معروف بمیدان نفتون چشمه كوچك نفت را كه از سطح زمین در ته دره ئی می جوشید دید و صحت عقیده «مرگان» بر او ثابت شد (۲) . كتا بچی خان چون مدت ها در اروپا بسر برده و با اهمیت صنعت نفت از لحاظ اقتصادی واقف بود برای بدست آوردن يك سود كلان كمر همت بمیان بست و بمنظور پیدا كردن مشتری برای نفت ایران راه اروپا را در پیش گرفت ، او در پاریس بملاقات «سرهانری دو موندولف» وزیر مختار سابق انگلستان در طهران موفق

(۱) ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران و ص ۲۵ تاریخ انقلاب نفت ایران

(۲) این چشمه نفت هنوز در دره ئی كه ، زیر تپه محل نخستین چاه

نفت داری ، واقع شده وجود دارد و مقدار مختصری نفت خام از آن بر سطح دره جاری است ، این محل از قرن ها پیش به «نفتون» معروف بوده است .

شد (۱) و با او مطلب را در میان نهاده مقاله مرگان و مشهودات خود را شرح داد و یاری خواست ، سرهانی که خود اطلاعاتی در این زمینه داشت و سود ملی و سود شخصی خود را در این کار احتمال میداد از پاریس بلندن رفته با « ویلیام نوکس داری » وارد مذکره شد .

داری اصلاً انگلیسی و در رشته حقوق درس خوانده بود ولی در هفده سالگی با اتفاق پدرش که وکیل دادگستری بود باسترالیا مهاجرت کرده پس از انجام تحصیل در دفتر وکالت پدرش کار میکرد ، بعد از چند سال در اثر يك پيش آمد مساعد از سهامداران معروف طلای « مونت مورگان » شد و جزو سرمایه داران گردیده و وکالت دادگستری را ترك گفت .

داری کتابچی را بلندن خواست و پس از تحقیقات و حصول اطمینان دوکار شناس بنام « برلز » و « والت » تحت نظر « ماریوت » نماینده خود با اتفاق کتابچی خان بایران اعزام نمود . داری برای مخارج احتمالی و مقدماتی پانصد هزار لیره در اختیار ماریوت و کتابچی خان گذاشت و سفارشنامه‌ئی برای « سرارتور هارینگ » وزیر مختار انگلیس فرستاد ، وزارت خارجه انگلیس هم دستوری بوزیر مختار خود نوشت و از او خواست که در عقد قرارداد نفت تسهیلات لازم را فراهم آورد (۲) .

ماریوت و کتابچی خان لدی الورد بوسیله سفیر انگلیس به

(۱) سردو مندولف در اواخر عهد ناصرالدینشاه چند سال وزیر مختار انگلستان در طهران بوده و در ۱۳۰۶ قمری با انگلستان بازگشت .
(۲) ص ۵۲ پنجاه سال نفت ایران .

مظفر الدین‌شاه پیشنهاد تقدیم يك پيشكشی در این بابت نمودند ، مظفرالدین‌شاه بواسطه ملاحظه از روسها قبول نکرد ، سفیر انگلیس ناچار مساعدت اتابك را جلب کرد و بتطميع رجال دولت پرداخت (۱) اتابك برای رضایت روسها مراتب را بسفارت روس نیز اطلاع داد و شتابزده قراردادی با نظارت مشیرالدوله وزیر خارجه و نظام‌الدین‌خان غفاری مهندس الممالك وزیر معادن بفارسی و فرانسه تنظیم شد و پس از گواهی اتابك و توشیح شاه بشماره ۸۹۲ وزارت خارجه ثبت گردید ، (صفر ۱۳۱۹ ق مه ۱۹۰۱ م) .

این قرارداد شامل فصول مختلف بود و بموجب آن علاوه بر حق اکتشاف در جنوب ، معادن نفت شوش و قصر شیرین و دالکی (بندر بوشهر) که چاه نفتش سالی ده هزار تومان بدولت بهره میداد نیز جزو قرار داد داری شد ، تنها منابع آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و استرآباد استثناء شده بود .

در فصل هشتم و نهم و دهم و شانزدهم قرارداد تصریح شد که داری در ظرف دو سال برای بهره برداری ازامتیاز مزبور مکلف است شرکتی تشکیل دهد و بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام بدولت ایران بلاعوض واگذار نماید و صدی ۱۶ منافع نیز از آن دولت ایران باشد ، در فصل هفتم تمام لوازم مورد احتیاج که وارد کشور می شد و تمام محصولاتى که خارج میگردد از عوارض گمرک معاف شد ، بامضای این قرارداد کتابچی خان حق دلایى کلانى گرفت و در اروپا

(۱) ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران

زندگی مرفهی برای خود تأمین کرد ، اتابك و مشیرالدوله و مهندس الممالك هم هريك ده هزار لیره نقد حق الزحمه ! گرفتند و جمعی دیگر از رجال دولت و دربار نیز سبیلی چرب کردند . (۱)

چند ماه پس از اعضای امتیازنامه ، داری عده‌ئی خفاریلهستانی را استخدام کرده با لوازم و اثاثیه مورد نیاز بچاه سرخ در شمال قصر شیرین فرستاد ، در ۱۹۰۳ (۱۳۲۱ ق) نخستین چاه قصر شیرین در عمق ۵۰۷ متر به نفت رسید ، چند ماه بعد محصول چاه دوم بدست آمد ، اما نفت این دو چاه خیلی کم بود ، لهذا نمایندگان داری بدستور او چاه سرخ را رها کرده منطقه عملیات اکتشافی خود را بجنوب ایران منتقل کردند .

در همین سال طبق ماده ۱۶ امتیازنامه داری ، نخستین شرکت استخراج نفت بنام « شرکت بهره برداری اولیه » با سرمایه شش صد هزار لیره انگلیسی تشکیل شد و مطابق قرار داد بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام بدولت ایران واگذار شد . بنا بتعهد و قول و قراری که قبلاً داده بودند معادل ده هزار لیره سهام به « اتابك » و پنج هزار لیره به « مشیرالدوله » و پنج هزار لیره سهام بمهندس الممالك غفاری حق العمل دادند که منبع ثروتی برای خاندان آنها شد ، بعدها که سهام شرکت در بورس لندن ترقی کرد ورثه اتابك و ورثه مهندس الممالك سهام خود را فروختند ولی فرزندان مشیرالدوله (میرزا حسنخان مشیرالدوله و مؤتمن الملك) تا پایان عمر سهام خود را در اختیار داشتند (۲)

(۱) ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران

(۲) ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران

در این اوقات داری برای توسعه بیشتر کار شرکت بسا چند کمپانی فرانسوی و آلمانی وارد مذاکره گردید، ولی همزمان این مذاکرات «دریاسالار فیش» بفرماندهی نیروی دریائی انگلیس منصوب شد (۱۹۰۴) و برای تبدیل سوخت بحریه انگلیس دستور تشکیل کمیونی داده بر اثر مطالعه و پیشنهاد این کمیون برای آنکه سوخت کشتیهای انگلیسی بوسیله نفت تأمین شود قرار شد با داری وارد مذاکره شوند و امتیاز اوزدستش بگیرند، هیئتی بریاست «مستر پرتی من» مأمور مذاکره با داری شد، اما چون عقیده دولت انگلیس در آنوقت مبنی بر عدم مداخله در کارهای تجارتی بود، خریدن امتیاز ممکن نشد، لهذا تصمیم بمقویت داری گرفتند، در نتیجه شرکت نفت برمه که يك شرکت انگلیسی بود بكمك داری شتافت و در سال ۱۹۰۵ شرکت جدیدی بنام «شرکت امتیازات» در شهر «کلاسکو» اسکاتلند تشکیل گردید و قائم مقام شرکت بهره برداری اولیه شد و امتیاز نامه و سهام بهره برداری بدست او افتاد (۱).

شرکت جدید عملیات اکتشافی خود را بمناطق «ماماتین» نزدیک رامهرمز منتقل کرد، دو چاه هم بعمق ۵۹۱ و ۶۶۱ متر زدند ولی ایندو چاه هم مثل چاه سرخ قصر شیرین بی نتیجه بود.

در وقتی که شرکت جدید در «ماماتین» مشغول کار بود سخت گرفتار مزاحمت بختیارها شد، غالب اوقات بختیارها بمأموران و کارگران شرکت حمله کرده آنها را لخت کرده و پول و اثاثشان را بغارت می بردند، دولت ایران هم با آنکه طبق قرارداد مکلف با ایجاد

(۱) ص ۵۴ طلای سیاه و ص ۲۵۲ پنجاه سال نفت ایران

امنیت در مناطق مورد عمل شرکت بود ، قدرتی نداشت که بتعهد خود عمل کند و امنیت کشور خود را تأمین نماید ، شرکت ناچار برای رفع مزاحمت بختیارپها دو یست نفر سر باز هندی با چند افسران گلیسی برای تأمین امنیت باین ناحیه آورد و ضمناً کوشش کردند که بختیارپها را از منافع آینده نفت مطلع ساخته و بآنها حالی کنند که در صورت استخراج نفت آنها هم در منافع آن سهیم خواهند شد . (۱) بسا این وعده و با حضور سر بازان مسلح هندی خانهای بختیاری مزاحمت را کم کردند ولی باز سرقتها و مزاحمتهای کوچک از طرف بعضی از افراد بختیاری بوقوع می پیوست .

پس از آنکه عملیات اکتشاف و استخراج در منطقه « ماماتین » موقوف شد ، شرکت محل کار خود را بمنطقه « نفتون » منتقل کرد ، این منطقه همان دره ایست که در زیر معبد قدیمی عیلامیان در مسجد سلیمان واقع شده و قرنها است چشمه کوچک نفت در آنجا جاری میباشد .

عملیات در این منطقه شروع شد و در پنج خرداد ۱۲۸۷ شمسی (۲۶ مه ۱۹۰۸) متع حفاری صخره عظیمی را که روی منبع نفت بود شکست و نفت با فشار عجیبی شروع بجستن کرد .

عمق این چاه سیصد و شصت متر بود و مهندس حفار آن « زینولدز » نام داشت ، میزان استخراج از این چاه ۳۶ هزار لیتر در روز بود ، چاه دوم در نزدیکی همین محل در عمق ۳۰۷ متر بنفت رسید ، کشف این دو منبع عظیم مشکلات مالی شرکت را حل کرد و پس از آنکه اهمیت

(۱) ص ۲۵۸ پنجاه سال نفت ایران

منابع نفتی ایران معلوم شد در آوریل ۱۹۰۹ شرکتی بنام شرکت نفت انگلیس و ایران با سرمایه دو میلیون لیره در لندن تشکیل گردید و حقوق امتیازداری و سهام شرکت بهره برداری اولیه و شرکت امتیازات را بدست آورد و استفاده از منابع نفت خیز جنوب و غرب ایران در انحصار او درآمد.

بختیاری ها برای گرفتن پول در اینجا هم بصدد مزاحمت برآمدند، ناچار شرکت با آنها چند قرارداد منعقد نمود و شرکتی بنام شرکت نفت بختیاری با سرمایه چهارصد هزار لیره در لندن تشکیل شد و از طرف شرکت نفت ۱۲ هزار لیره مجاناً به حساب خانهای بختیاری گذارده شد (۱)

قرارداد دیگر مربوط بخرید زمین بود، هر سال ایلخانی وایل بیگی بختیاری مبلغ کلانی هم از این بابت پول میگرفتند. قرار داد سوم درباره امنیت حوزه نفت بسته شد، بموجب این قرارداد يك خانزاده با چندین تفنگچی بعنوان پاسدار در منطقه نفتی گمارده شدند و ضمن اینکه تمام مخارج آنها بعهده شرکت نفت بود ایلخانی سالی سه هزار لیره نیز از این بابت دریافت میکرد (۲).

بهر حال شرکت نفت ایران و انگلیس که صاحب تمام امتیازات قبلی و فرمانروای مطلق نفت ایران شد، ناچار بود محیط را برای کار خود مساعد کند. درین میان وزارت دریا داری انگلستان هم برای تأمین سوخت بحریه عظیم خود مقدار کلی از سهام شرکت را خریداری

(۱) بعداً سهام شرکت نفت بختیاری را خود شرکت نفت خریداری کرد

(۲) ص ۲۶۱ تا ص ۲۶۴ پنجاه سال نفت ایران

نمود و باین ترتیب نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان نیز پشتیبان شرکت گردید .

در سال ۱۹۰۹ شرکت بفکر ایجاد پالایشگاه در صحرای آبادان (عبادان) افتاد ، در اینوقت شیخ خزعل حکمران تامالاختیار خوزستان بود ، او هم طمعش کمتر از بختیارها نبود ، یک میل مربع از اراضی آبادان را بشرکت فروخت و تا وقتی که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر نشده بود سالیانه مبلغی باسم حق الحفاظه آبادان باج میگرفت .

پالایشگاه آبادان در ۱۹۱۲ باتمام رسید ، در همین سال نخستین محصول نفت جنوب بمقدار چهل و سه هزار تن بشکل نفت خام صادر گردید ، این رقم در ۱۹۱۴ دوپست و هفتاد و چهار هزار تن شد ، در جنگ اول شرکت کمک مهمی بعملیات جنگی انگلیسها نمود و یکی از عوامل پیروزی متفقین بشمار میآمد .

در زمان جنگ اول دولت انگلستان طبق قانون مصوب مجلس مبعوثان قسمتی از سهام شرکت نفت را خریداری کرد و قراردادی بین دولت انگلستان و شرکت منعقد گردید ، از این تاریخ دولت انگلستان رسماً بر کار شرکت نظارت جست (۱) .

اولین چاه نفت که در زمان داری در مسجد سلیمان حفاری شد و مورد استفاده قرار گرفت سالها است کیه متروک شده و با مته حفاری و لوازم مخصوص خود بصورت موزه در مسجد سلیمان نگهداری می شود .

باید دانست که استخراج نفت قبل از این تاریخ نیز مورد نظر انگلیسها بوده و در فصل یازدهم قرار داد رویتز (که در جزوه اول مورد بحث بود) مورخ ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ م) حق استخراج منابع و نفت باسم «پترول» به « بارون ژولیس رویتز » داده شده و در ۱۳۰۱ ق (۱۸۸۴ م) هم يك شرکت انگلیسی بنام «هوتز» استخراج نفت دالکی را تحصیل کرد که بعداً بشرکت واگذار شد.

باری بحث در باره منبع عظیم نفت و تأثیر شگرف آن در اقتصاد و سیاست ایران و آبادی خوزستان خارج از موضوع جزوه های رهبران مشروطه میباشد اما چون این جزوه بیوگرافی عاقد قرارداد داری است این تحقیق اجمالی لازم می نمود .

دنباله بیوگرافی مشیرالدوله :

مظفرالدین شاه سفر دوم فرنگستان را هم رفت و با پول قرض رجال ! کشور هم استفاده بردند و هم تفریح کردند ، فشار سیاسی و اقتصادی که تأثیر قرضه ها بود روز بروز محسوس تر می شد ، مسوئوز وزیر گمرک بکلی در اختیار دولت روس درآمده و قرضه های پی در پی وجهه اتابک را خراب کرده و عدم رضایتی ایجاد کرده بود .

انگلیسها اوضاع ایران را از نظر سیاست خود بسیار بد تشخیص دادند و میدانستند اتابک نفوذ سیاسی روسیه را در ایران بطوری گسترده که جائی برای انگلستان باقی نمانده است ، نگرانی انگلیس از نامه لرد کرزن فرمانروای هندوستان که در آن اوقات نگاشته بخوبی آشکار می باشد ، قسمتی از آن نامه : « صدراعظم ایران اتابک برضد ما است ، چون از زمانی که تبعید شد ما او را بکلی رها کردیم و گذاشتیم روسها

دومرتبه اورا روی کار بیاورند». (۱)

کم کم تحریکات مستقیم و غیرمستقیم انگلیسها شاهرا از اتابك نارضاضی نمود، غرور و اظهار شخصیت اتابك در برابر شاه براین نارضاضیتی میافزود تا آنجا که درصدد تغییر او برآمد، در این هنگام مشیرالدوله وزیر خارجه بدستور اتابك بسفارت روس رفته حمایت سفیر روسیه را بکمك اتابك جلب نمود و بسفیر روس فهماند که انگلیسها در رفتن اتابك اصرار دارند» اتابك با کمك روسها و با حمایت طرفداران مؤثر و با نفوذش شاهرا، از فکر عزل خود منصرف کرد و برای جلب رضایت مظفرالدین شاه ساده دل موجبات قرضه سوم را فراهم آورد. (۲) چون گرفتن قرض از هر دولت دیگر با مفاد قراردادهای قرضه ایران و روسیه منافات داشت از بانك شاهي مبلغ دویست هزار لیره بعنوان مساعدده برای مدت بیست سال با سود صدی پنج وام گرفتند و محل استهلاك آن را از عایدات ماهی ایران و در صورت عدم تکافوی عایدات ماهی، از عایدات پست و تلگراف تعیین نمودند (۳).

این پول هم دردی دوا نکرد و لوطی خور شد. دولت انگلیس که مصمم باستقرار کامل نفوذ خود بود نمیتوانست حکومت اتابك و وزارت گمرک «نوز» را که بکلی آلت دست روسها شده بودند تحمل کند، «هاردینگ وزیر مختار انگلیس» سفری بخلیج فارس رفت، موضوع عزل اتابك و برکناری نوز از مسائلی بود که در میان او و لرد کرزن

(۱) ص ۱۷۵۷ ج ۶ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹

(۲) ص ۲۵۰ خاطرات سیاسی.

(۳) ص ۳۸۸ عصر بی خبری.

فرمانروای هندوستان مطرح شد « سر ارتور هاردینگ » پس از سفر خلیج با اتفاق جرج چرچیل وابسته سفارت بغداد رفت ، متعاقب همین مسافرتها بود که تنی چند از علمای نجف اتابك را تكفیر کرده و تلگرافهایی مبنی بر ثبوت خیانت و لزوم برکناری او بایران مخابره کردند (۱) نارضایتی شدید انگلیسها ، تكفیر اتابك از طرف علمای نجف ، انتقاد مردم از قرضه های پیاپی و تظاهرات ضد اتابك ، انتشار شب نامه های شدیدالحن ، و بالاخره سعایت اطرافیان شاه و بی اعتنائی اتابك ببعضی اوامر شاه موجباتی بود که منجر بعزل او گردید (رجب ۱۳۲۱ ق) (۲) و برخلاف سنت دیرین پادشاهان قاجار که هیچوقت مقام صدارت و زمامداری را بقاجاریه نداده بودند ، مظفرالدین شاه عبدالعزیز میرزا (عین الدوله) نوه فتحعلیشاه و داماد خو در ا بصدارت ایران برگزید ،

عین الدوله نیز مردی باهوش وقوی بود ولی تدبیر و حسن سلوك و سخاوت اتابك را نداشت .

اتابك پس از يك ملاقات طولانی با سفیر روس ترتیب کارهای خود را داده و در حالیکه طرفدارانش بامید بازگشت او بودند در میان تجلیل و مشایعت دست پروردگان و رجال و اطرافیان و جمعی از روحانیان خاك ایران را بقصد زیارت خانه خدا و سپس مسافرت و سیاحت در آسیا و اروپا ترك کرد ، ولی نفوذ و تحریکات ایادی او هرگز قطع نشد .

(۱) ص ۲۱۷۱ ج ۸ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹

(۲) ص ۹۰ انقلاب ایران

عین الدوله کابینه خود را تشکیل داده شروع بکار نمود، مشیرالدوله بواسطه حسن سلوک و خوی اطاعتی که داشت با آنکه از دست پروردگان اتابک بود همچنان در وزارت خارجه باقی ماند .

عین الدوله ، که لقب اتابک اعظم نیز گرفت ، در آغاز کار با روشنفکران روی خوش نشان داد، ورود روزنامه‌های حبل‌المتین و ثریا را آزاد کرد ، سید حسن برادر مؤیدالاسلام را ازنندان مبارک آباد نجات داد ، شیخ یحیی کاشانی نویسنده مقالات ضد قرصه حبل‌المتین را که در اردبیل محبوس بود آزاد نمود ، برای اصلاح مالیه مملکت و تصفیه دربار مظفری تصمیم‌ها گرفت .

در مورد مالیه چون مملکت مقروض و خزانه تهی بود و قرصه دیگری هم ممکن نمیشد ، با صوابدید شاه بر آن شد که از صاحبان مقاماتیکه همه جور استفاده میکردند مبالغی بعنوان پیشکشی یا سرقفلی بگیرد و باینوسیله هم پول جیب شاه را تأمین کند و هم خودش طرفی ببندد و هم چیزی بمصرف امور جاری رساند .

اول رزمی که عاید عین الدوله شد سی هزار تومان پیشکشی شوکت‌الملک بود که برای بدست آوردن حکومت قائنات وارثیه برادرش تقدیم کرد (۱) بعلاوه با کمک ناصرالملک وزیر دارائی برای وصول مالیاتهای معوقه و تمرکز درآمدها اقداماتی کرد ، از روحانیان شیخ فضل‌الله نوری بیشتر مورد احترام بود ، دعاوی مهم را بمحکمه او رجوع مینمود ، بهمین مناسبت نفوذ شیخ بالا گرفت و این امر باعث کدورت سیدعبدالله بهبهانی گردید .

(۱) ص ۱۳۱ تاریخ بیداری . ص ۵۶۹ ج ۲ تاریخ ایران

در این اوقات کشمکش‌های درمیان طلاب مدرسه محمدیه و آصفیه باطلاب مدرسه صدر روی داد، این حادثه از اختلاف بین امام جمعه و بهبهانی ریشه می‌گرفت و محرك اصلی امام جمعه بود، در نتیجه عده‌ای از طلاب مجروح و زخمی شدند، حکومت طهران بصدد دستگیری محركان حادثه برآمد و بدستور عین‌الدوله چهارده نفر طلبه دستگیر و باخفت باردبیل تبعید شدند، بهبهانی شفاعت کرد ولی عین‌الدوله گفت «من برای نظم مملکت این کار را کردم و تابع میل آقا نیستم» (۱). این نخستین حادثه حکومت عین‌الدوله بود که افکار را علیه او برانگیخت و جمعی از بازاریان چندی در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.

پس از این حادثه بهبهانی و صدرالاسلام علیه عین‌الدوله متحد شدند و سید محمد طباطبائی روحانی پاك ضمیر بدعوت بهبهانی با او هم پیمان شد.

در این اوقات عین‌الدوله برای ترضیه خاطر شاه موجبات سفر سوم او را بفرنگستان فراهم می‌کرد و برای اینکار بتهیه پول و باج گرفتن از زورمندان مشغول بود. یکی از ارقام قابل توجهی که وصول کرد از مشیرالدوله بود، باین ترتیب که پرنس ارفع الدوله سفیر ایران در روسیه در تابستان سال ۱۳۲۲ که در طهران مرض و با شایع بود از طرف شاه احضار گردید (۲)، پرنس ارفع هرچه عذر آورد قبول نشد، ناچار بطهران آمد، عین‌الدوله باصوابدید شاه بمشیرالدوله پیغام

(۱) ص ۱۳۲ تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۳۷۳ انقلاب مشروطیت ایران.

(۲) ص ۴۴۰ تاریخ ارفع الدوله دانش

داد که پرنس ارفع برای تصدی وزارت خارجه آمده و صد هزار تومان میدهد من چون باتو دوست هستم اگر صد هزار تومان را خودت بدهی شر پرنس ارفع را میکنیم ، مشیرالدوله که مقام وزارت امور خارجه برای او بیش از اینها قیمت داشت فوراً صد هزار تومان به تجارتخانه تومانیانس در وجه عین الدوله حواله داده مقام خود را حفظ کرد (۱)، عین الدوله بیست هزار تومان سهمی خود را برگرداند و هشتاد هزار تومان را بشاه تقدیم کرد، اما بهر حال این نقشه را او برای مشیرالدوله چیده بود بهمین مناسبت مشیرالدوله کینه عین الدوله را در دل گرفت و پنهانی با مخالفان او همکاری میکرد در این سفر پرنس ارفع هم مبلغی تقدیم کرد و باهدایا و پیغام مخصوص مراجعت نمود . (۲) .

در این اوقات بتحریر انگلیسها عکسی از مسیو نوز وزیر گمرک در لباس روحانیت چاپ شد و همه جا منتشر گردید ، چون نوز منقور مردم بود این عکس بهانه تظاهرات دامنهداری شد و چون مرکز تحریر در بازار بود نوز برای کینه توزی نسبت به بازار گانان سختگیری آغاز کرد و برای آنها ایجاد مزاحمت نمود ، بازار گانان در مجلسی که باحضور عین الدوله و سعدالدوله وزیر تجارت و نوز تشکیل شد تعدیات مأموران گمرک را اثبات کردند ولی نوز بآنها فحاشی کرد و عین الدوله هم موضوع را بمسامحه و مجامله گذرانید، در عین حال سختگیریهای او و علاءالدوله مانع از جنبش مخالفان میشد .

(۱) تجارتخانه تومانیانس بزرگترین صرافخانه طهران بود و همه گونه معاملات استقراضی انجام میداد و کارهای مالی مشیرالدوله در آنجا متمرکز بود .
 (۲) ص ۱۱۵ - انقلاب ایران ص ۲۹ ج دوم حیات یحیی . ص ۵۵۱ تاریخ بیداری .

درمیان همین کشمکش‌ها سفر سوم شاه در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ با همت عین‌الدوله آغاز شد و مشیرالدوله علاوه از وزارت خارجه سرپرستی وزارت داخله را هم به‌عهده گرفت (۱).

محمد علیمیرزا در غیاب شاه آرامش مملکت را حفظ کرد و از بهیپانی قول گرفت موانع اغتشاش و بلوا شود، همین‌طور هم شد، بالاخره مسافرت شاه در ماه شعبان ۱۳۲۳ خاتمه پذیرفت.

در همین ایام که خبر شکست روسیه از ژاپن قدرت آن دولت را متزلزل کرده بود، تحریکات دامن‌داری در طهران آغاز گردید و برای اصلاح طلبان و مخالفان دولت موقعیت مناسبی پیش آمد.

سید محمد وسید عبدالله در مساجد و مجالس مطالبی برای بیداری مردم ایراد می‌کردند، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی که خطیبی بلیغ بود تند و بی‌پروا از کارهای دولت انتقاد می‌کرد.

در این اوقات بواسطه جنگ روس و ژاپن قند در طهران نایاب شد، حاج‌هاشم قندی و حاج محمد تقی بنکدار و جمعی بازرگان طماع قند را احتکار کرده بودند، مردم شکایت کردند علاوه‌الدوله حاکم طهران بازرگانان را احضار کرده وسید هاشم و حاج سید اسمعیل و پسر سید هاشم را چوب مفصلی زد و مأموران حکومت قندهای احتکار شده را بیرون ریختند.

فردای آنروز (۱۴ شوال ۱۳۲۳) بازار و دکان طهران تعطیل شد و مردم در مسجد شاه جمع شدند علما نیز با مردم هم‌صدا شده عزل علاوه‌الدوله را خواستار گردیدند.

(۱) ص ۷۰ تاریخ بیداری ج ۱ ص ۸۹ عین‌الدوله و رژیم مشروطه

امام جمعه برای جلب مخالفان اقدامات زیادی کرد و بحیله‌های چند متوسل گردید ولی ثمری نبخشید و سختگیری دولت زیاد تر شده منجر بمهاجرت طباطبائی، بهبهانی و سید جمال افجه و صدرالعلماء و چند نفر از روحانیان بحضرت عبدالعظیم گردید، بهواخواهی علما بازار تعطیل شد و گروهی از طلاب نیز بحضرت عبدالعظیم رفتند، هرروز بر تعداد متحصنان افزوده شد و نطق و خطابه‌های مهیج و پرشور مردم ناراضی را بضد دولت تحریک میکرد، مخالفان عین الدوله برای تهیه مخارج این جمعیت کمک میکردند، پولهایی هم از مراکز نامعلومی! میرسید که زیر نظر حاج محمد تقی و حاج حسن بنکدار خرج میشد، مقصود عمده متحصنان عزل علاء الدوله و عزل مسیو نور و برقراری عدالتخانه بود، عین الدوله با انواع وسایل تهدید و تطمیع و وعده و وعید متمسک شدن نتیجه نبخشید بالاخره پس از یک ماه تحصن شاه بمستدعیات آنان جواب گفته وعده تشکیل عدالتخانه داد و روز جمعه ۱۶ ذیقعه ۱۳۲۴ و آقایان با احترام بسیار بطهران باز گشتند.

ماهها گذشت و از تأسیس عدالتخانه خبری نشد، روحانیان از شاه و عین الدوله وفای بعهد خواستند، تعدیات شعاع السلطنه فرزند نالایق و ستمکار مظفرالدینشاه در فارس، خودسری و غارتگری فرما نقرما در کرمان، نابکاریها و طمع ورزیهای آصف الدوله در مشهد مردم را به هیجان آورد، صدای ناراضایتی از همه جا بلند شد، شاه بنامه علما پاسخ نداد، بهبهانی نامه‌ئی بسفیر انگلیس نوشته از او استمداد کرد (۱).

(۱) در جزوه مربوط به بهبهانی در چگونگی روابط بعضی از سران مشروطه با سفارت انگلیس توضیح داده خواهد شد.

سفارت انگلیس و روس در این جریان‌ات بیکار نبوده هم تحریرات می‌کردند و هم پول‌هایی بمصرف میرسانیدند (۱).

کم‌کم انجمن‌های سری و غیرسری تشکیل شد و بقعالت‌های سیاسی پرداختند، در برابر این‌ها دولت هم باسخت‌گیری تمام مشغول کار بود، میرزا حسن رشیدیه و مجدالاسلام کرمانی و میرزا آقا تاجر، که تبلیغات تند علیه دولت داشتند، بکالات تبعید شدند (۲).

اما احساسات پاک و تندی که برانگیخته شده بود باین زودی خاموش نمی‌شد، بخصوص که سیاست انگلستان در تحریک و تقویت مخالفان دولت میکوشید و میخواست از این حوادث برای برانداختن آثار نفوذ و قدرت روس‌ها حداکثر استفاده را ببرد (۳).

روز ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۲۴ ق زدو خورد دیگری بین طلاب و سربازان روی داد، مردم بحمايت طلاب برخاستند و جنجال بیشتر شد، بر اثر تیراندازی سربازها و قتل دو طلبه بنام سید عبدالحمید و شیخ محمد و مجروح شدن طلبه دیگر بنام ادیب‌المجاهدین، شهر دستخوش انقلاب گردید و دکانها بسته شد.

مردم بسوی مسجد جامع روانه شدند، طباطبائی و بهبهانی و شیخ فضل‌الله و سایر علما گرد آمدند و مصرأتشکیل عدالتخانه و عزل عین‌الدوله را خواستند.

روز بیستم جمادی الاولی مجلس ترحیم سید عبدالحمید برپا شد،

(۱) ص ۳۵۸ تاریخ بیداری.

(۲) ص ۲۷۵ انقلاب مشروطیت ایران ص ۳۶۳ تاریخ بیداری ایرانیان

(۳) صفحه ۲۶۱ ج ۱ انقلاب مشروطیت ایران

شهر غرق در غزا و تعطیل بود دسته‌های سینه زنی حرکت کرد، سربازهای دولتی بفرماندهی نصر السلطنه (سپهدار تنکابنی) مراقب اوضاع شهر بودند ، بالاخره بین مردم و سربازان تصادم شدیدی روی داد و بیش از صد و بیست نفر کشته و زخمی شدند (۱) .

روز ۲۴ ج . ۱ - طباطبائی و بهبهانی وسید جمال افجه باجمعی از روحانیان طهران را بقصد قم ترك گفتند. بهبهانی نامه دیگری بسفیر انگلیس نوشت و ادامه مساعدت دولت انگلیس را در خواست کرد و جواب مساعدی از سفارت برای او رسید ، بهمین دلیل در کهریزك به بازرگانان و طالبی که برای مشایعت آمده بودند دستور داد در سفارت انگلیس متحصن شوند (۲) (این مکاتبه طرفداری سفارت انگلیس را از طالبان عدالتخانه و رابطه نهانی بعضی از سران نهضت را باماموران سفارت بخوبی حکایت می کند) دو روز بعد شیخ فضل الله هم بسوی قم حرکت کرد و در حسن آباد قم با قایان ملحق شد .

شب ۲۴ جمادی الاخره نفر بازرگان بدستور بهبهانی و با اطلاع و موافقت قبلی سفارت انگلیس (۳) در سفارت متحصن شدند ، شارژ دافر سفارت برای صحنه سازی دیپلماسی بمشیرالدوله وزیر خارجه پیغام داد : عده‌ئی در سفارت متحصن شده اند جلو گیری کنید ! مشیرالدوله که نقش دو جانبه را درین میان بازی میکرد عمداً مسامحه نمود و بهمان دلیل هشتاد هزار تومان پولی که داده بود تزلزل کار

(۱) ص ۴۱۰ تاریخ بیداری

(۲) ص ۴۲۴ تاریخ بیداری ایرانیان

(۳) ص ۵۴۸ ج ۱ تاریخ ایران .

عین‌الدوله را خواستار بود (۱).

روز بعد دو نفر عضو سفارت حسینقلیخان نواب و میرزا یحیی خان منشی به پناهندگان یاد دادند که عده‌ئی از طلاب را هم بیاورند و مقصود خود را بزرگ کنند، سید محمد تقی محرر بهبهانی که برای همینکار در طهران مانده بود با گرفتن مقداری پول جمعی از طلاب طرفدار بهبهانی را بسفارت آورد (۲) کم کم بزازها و صرافها هم دکانها را بسته بسوی سفارت روانه شدند، اعضاء انجمن های مخفی و گروه دیگری از طلاب و مردم نیز بآنان پیوستند، اینها در چادرهایی که قبلا در باغ سفارت برپا شده بود پذیرائی میشدند.

عین‌الدوله دستور داد نظامنامه تأسیس عدالتخانه را نوشته ضمیمه فرمان شاه در روزنامه ایران منتشر کردند و بسفارت برای متحصنان بردند، این نظامنامه جامع و جوابگوی خواستاران عدالتخانه بود ولی ریشه انقلاب چندان قوی بود که تدبیر عین‌الدوله اثر نکرد، هر روز تعطیل عمومی دامنهدارتر می شد، پناهندگان به پنج هزار نفر رسیده و عزل عین‌الدوله را میخواستند ولی در سفارت بآنها تلقین شد که « مشروطه بخواهید والا ممکن است عین‌الدوله حالا عزل شود و چند ماه دیگر بر گردد »، در سفارت مردم تلگرافیی بمادشاه انگلستان نمودند و جوابیی هم مبنی بر دلسوزی و مساعدت بآنها رسید و دستور هائی هم بسفارت داده شد و بیشتر امیدوارشان کرد (۳) علمای آذربایجان هم تلگرافهائی

(۱) ص ۳۴۲ تاریخ بیداری .

(۲) ص ۴۳۳ تاریخ بیداری .

(۳) ص ۴۵۲ و ص ۴۷۹ تاریخ بیداری ایرانیان .

بمظفرالدینشاه مخاברה و انجام تقاضای پناهندگان را استدعا کردند ،
نواب و میرزا یحیی خان منشی رابط بین مقامات سفارت و پناهندگان
بودند و میخواستند از احساسات پاك مردم استفاده سیاسی کنند .

هر روز دامنه انقلاب توسعه میجست ، زنانی که شوهرانشان
در سفارت پناهنده بودند بصدد تظاهر برآمدند ، در قم هم جمعیت
روحانیان زیاد شد ، از بعضی شهرها گروهی بیاری آنان شتافتند و
و احساسات عمومی برانگیخته شد ، سید عبدالله بوسيله سفیر انگلیس
با پناهندگان سفارت در تماس بود ، قرار بود مشیرالدوله از طرف شاه
به قم برود ، در اینوقت ولیعهد از تبریز بشاه تلگراف کرده او را
سرزنش نموده گفت « برای خاطر يك نفر (یعنی عینالدوله) نمیتوان
ملتی را از بین برد . » و موافقت با تقاضای علما را جداً درخواست
نمود .

تلگراف ولیعهد مؤثر افتاده بدستور شاه روز نهم جمادی الاخر
عینالدوله مستعفی شد و بمبارك آباد رفت و مشیرالدوله که نقش میانجی
بین دولت و مخالفان را داشت بمقصود رسید و بمقام ریاست وزرائی
نائل گردید . فوراً تلگرافی با قایانی که به قم مهاجرت کرده بودند
مخاברה کرد و از طرف اعلیحضرت وعده تشکیل مجلس شورا بآ نهاداد
و نیز در سفارتخانه انگلیس حاضر شده عین فرمان شاه را مبنی بر
اعطای مشروطیت برای مردم شخصاً قرائت کرد ، در سفارت عدهئی
حاضر بترك تحصن نشده میخواستند سفارت انگلیس اجراء دستخط
و تشکیل مجلس را تضمین کند ، مشیرالدوله دو دستخط دیگر در باره
تنظیم نظامنامه مجلس وعفو و اغماض از تقصیر آشوبگران از شاه گرفته

بوسیله میرزا احسنخان مشیرالملک بسفارت فرستاده برای آنان قرائت شد و با علما تماس گرفته آنها هم تلگرافی دستور تصحیح بمردم دادند، حسن نیت و سلامت نفس مشیرالدوله در این اوقات خیلی مفید واقع شد پس از یکی دو هفته مهاجرین بپهران باز گشتند و بیشتر پناهندگان از سفارت خارج شدند. و تبعید شدگان زمان عین الدوله آزاد گردیدند، پس از مراجعت آقایان از قم تجلیل باشکوهی از آنان بعمل آمد و طباطبائی و بهبهانی بجلو سفارت رفته بقیه متحصنان را خارج کردند (۱) روز ۲۷ ج ۲ ۱۳۲۴ مجلس در مدرسه نظام با حضور پانصد نفر از علما و وزرا و رجال و شاهزادگان و دو هزار نفر تماشاچی تشکیل شده پذیرائی مفصلی بعمل آمد، عضدالملک بنمایندگی شاه مجلس را افتتاح کرد و مشیرالدوله لائحه فی قرائت کرد و وعده داد که قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس بزودی تهیه شود، شیخ مهدی سلطان المتکلمین از طرف ملت لائحه تشکر آمیزی ایراد نمود و لزوم تأسیس مجلس شورای ملی و حکومت قانون و آزادی را یادآور شد.

شاه که مریض بود چند روز بعد در عمارت کاخ گلستان مجلس سلامی برپا کرد. او را روی صندلی بمجلس آوردند، عده زیادی از رجال و نمایندگان سیاسی حضور داشتند، نظامالملک لائحه شاهرآ که بمنزله اعطای آزادی و حق انتخابات و تشکیل مجاکم دادگستری و حمایت از حکومت مشروطه بود قرائت کرد.

شاه در تمام مدت اشک شوق در چشم داشت و از اعطای حقوق قانونی بمردم بسیار خشنود بود.

(۱) ص ۴۸۱ و ۴۸۵ تاریخ بیداری.

تنظیم نظامنامه انتخابات مجلس فرصتی لازم داشت ولی مردم عجله داشتند و چون تأخیر شد، گروهی از بازاریان و طلاب بعلت دوباره در سفارت متحصن شدند و دکان و بازار تعطیل شد، تلگرافهای بسیاری از شهرستانها حتی از بادکوبه وقفقاز برای تسریع کار مجلس رسید و بالاخره نظامنامه انتخابات باسعی مشیرالدوله و میرزا حسنخان مشیر-الملک و صنیع الدوله تکمیل و در ۲۲ رجب ۱۳۲۴ بتوشیح شاه رسیده، در طهران جشن و چراغانی باشکوهی برپا شد، شاه در اوائل ماه شعبان از صاحبقرانیه بطهران آمد و تجلیل بی سابقه و پر-شکوهی از او شد، در همین ایام بولیمعهد هم دستور انتخابات تبریز را صادر کرد.

انتخابات تهران انجام شد و روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ در تالار گلستان باحضور شاه و رجال و شاهزادگان و علما و نمایندگان سیاسی، برگزیدگان ملت جمع شدند و مورد تقد شاه قرار گرفتند، شاه نطق بسیار موثری که نشانه حسن نیت و پاکی قلب او بود ایراد کرد، این مجلس از با شکوهترین مجالسی است که تاریخ قرن اخیر ایران بیاد دارد، فردای آن روز مجلس تشکیل جلسه داد، صنیع الدوله ریاست مجلس و وثوق الدوله به نیابت ریاست انتخاب و اعضاء شعب هم تعیین گردیدند و بعد نظامنامه داخلی مجلس تدوین شد و مجلس کار خود را آغاز کرد.

مظفرالدینشاه در ۱۴ ذیقعه ۲۴ فوت کرد و محمدعلیشاه بجای او نشست، در اولین کابینه سلطنت محمدعلیشاه مشیرالدوله رئیس الوزرا و کامران میرزا وزیر جنگ بمجلس نرفتند، محتشم السلطنه معاون رئیس الوزرا، وزیران رامعرفی کرد، مجلس به نیامدن آن دو نفر اعتراض

نمود و رفتار آنان را توهین آمیز تلقی کرد. در این اوقات محمدعلی شاه با تحریکات افراد و عناصری که در مجلس و خارج از مجلس بعقیده شخصی یا بدستور سیاستهای خارجی بوی اهانت میکردند روبرو شد، مسئله متمم قانون اساسی هم مطرح بود که حدود وظائف قوای مجریه و قضائیه و همه مقامات را می بایست تعیین کند، مجلس در این کار شتابزده بود، شاه هم میخواست تکلیف خود را بامجلس و تحریکاتی که علیه اومی شد روشن نماید، بهمین مناسبت تصویب متمم قانون اساسی را گرو کشیده بود، در این ایام شاه بمشیرالدوله مظنون شد، زیرا رفتار و مسالمتش طوری بود که در تمام اختلافات میخواست جانب هر دو طرف را رعایت کند تا موقعیت خود را حفظ نماید و آن قدرت را هم نداشت که برمشکلات فائق آید، لهذا شاه تصمیم گرفت اتابك را احضار کند و زمام امور را بدست او بسپارد، بهمین مناسبت مشیرالدوله استعفا کرد (محرم ۱۳۲۵ ق) و برستم آباد شمیران رفت و دولت بسرپرستی وزیر افخم (وزیر داخله) زمام امور را بدست گرفت.

اتابك در ماه ربیع الاول وارد طهران شد، مشیرالدوله بدیدن او رفت و بیش از حد نسبت با تاباتك تواضع نمود، مخبر السلطنه در کتاب خاطرات و خطرات گفته است «اتابك مشیرالدوله را برای وزارت خارجه دعوت کرد زیرا بار نرفت.» بهر حال هنوز از دوران زمامداری اتابك چند ماهی نگذشته بود که مشیرالدوله در رستم آباد در گذشت و درامامزاده صالح مدفون شد، شایعه‌ئی هم مبنی بر مسمومیت او بر سر زبانها افتاد، و در مجلس هم در اینخصوص گفتگو شد، سن مشیرالدوله نزدیک هفتاد سال بود.

مشیرالدوله و کارهای او .

مشیرالدوله یازدهمین وزیر خارجه ایران و نخستین صدراعظم زمان مشروطه می باشد، که واسطه صدور و ابلاغ فرمان مشروطه و نظامنامه مجلس بوده است، آنچه عموم مورخان درباره مشیرالدوله نوشته اند، تحصیلات متوسطی داشته باشخصیت و وطنخواه، رازدار، فعال، مطیع با پشتمکار و با استعداد و نیکنام بوده در صفات شخصی سلیم النفس، خوش قلب و متدین و تا اندازه ای خوی تجدد خواهی داشته است.

از فرصتها و مقامها با کمال احتیاط استفاده کرده زیرا هم بامانت و درستی معروف شده وهم در مدت نسبتاً کوتاهی از تهیدستی و ماهی ۱۵ ریال حقوق صاحب کرورها ثروت گردیده چنانکه يك دفعه صد هزار تومان پول برای حفظ سمت وزارت خارجه داده است، بدیهی است چنین پولی، فقط از راه حقوق و صرفه جوئی بدست نیامده است، بطوریکه در بحث امتیاز داری نشان دادیم از قرارداد داری نیز استفاده سرشاری برده، این گونه استفاده ها بنام پیشکشی و تعارف معمول رجال ایران و جزو سنن دولتی بوده و ندرتاً رجالی بوده اند که ازین سنت ناپسندیده دوری جسته اند، بعضی دیگر از رجال پارا از سنت فراتر می نهاده غارتگری می کرده اند. مشیرالدوله چون فطرتاً متجدد و دانش دوست بود پسرهای خود را برای تحصیل باروپا فرستاد، بوضع قوانین هم علاقه داشت مشروطه و آزادی افکار را بعد مشروط و محدود قبول داشت چنانکه در جلسه ای که با حضور سعدالدوله و جمعی از وکلا در منزل او تشکیل شده و بکارهای دولت ایراد می شد، صریحاً گفت این حرفها ب وکلا مربوط نیست، وقتی

سعد الدوله پاسخ داد «مگر ما حکومت مشروطه نیستیم؟» جواب داد، «شروطه هم نیستید، دولت بشما يك مجلس برای وضع قوانین داده است که بنشینید و شور کنید» در آغاز تنظیم نظامنامه هم اصرار داشت که بجای «مجلس شورای ملی» «مجلس شورای اسلامی» نوشته شود. (۱) مشیرالدوله با مشروطه خواهان مسالمت کرد و علیه عین الدوله بدلیل همان عقده‌ئی که داشت پنهانی اقداماتی نمود و بخوبی توانست در بین کشمکش دو گروه و جاهت ملی خود را حفظ کند و مشروطه خواهان را یاری نماید.

مشیرالدوله بواسطه متظاهر بودن بآداب دیانت و کم آزاری و خوش قلبی و مهربانی و حسن سلوک، بامردم به نیکی معروف شده است. تمام قرضه های سنگین زمان مظفر الدینشاه در زمان وزارت خارجه او انجام شده است، کار نیک و خدمت مهم او گرفتن فرمان مشروطه و افتتاح مدرسه علوم سیاسی و تربیت دو فرزندش میرزا حسنخان مشیرالدوله و میرزا حسینخان مؤتمن الملك میباشد که در کار های وزارت خارجه و صدارت دستیار وی بودند، این دو برادر از رجال نیکو نام ایران میباشند و در جزوه های آینده درباره آنان تحقیقات جالبی خواهیم داشت. اسفندماه ۱۳۴۲

(۱) صفحه ۲۳۰ انقلاب مشروطیت ایران ص ۴۶ تاریخ اوایل انقلاب و مشروطیت ایران. صفحه ۵۵۱ تاریخ بیداری ایرانیان.